

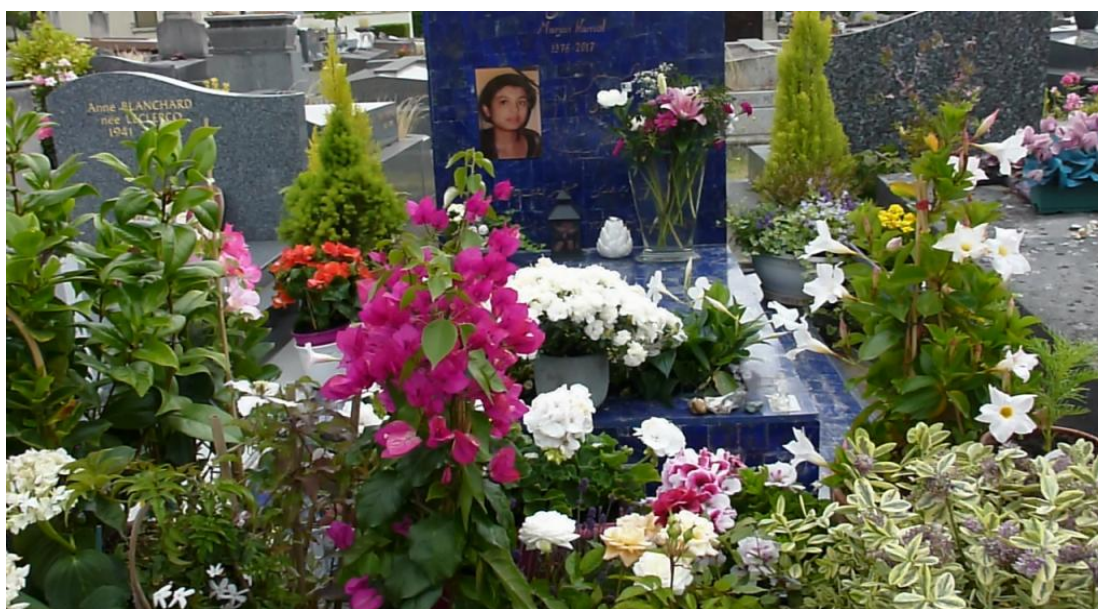
جمعه ۱۹ جولای ۲۰۱۹

مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسی
نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی
مترجم: فریده نوری

قسمت بیست و پنجم

بی همگان بسر شود بی تو بسر نمی شود
داغ تو دارد این دلم جای دیگر نمی شود



نو آوری در دهات و قصبات:

یک شکل دیگری خشونت سمبولیک:

عزم و اراده دولت برای روی کار آوردن پروژه های نو سازی در دهات و قصبات، در حقیقت گذاشتن بنیاد اقتدار سیاسی مرکز، بالای ارزش هائی می باشد، که به پیشرفت اجتماعی و اقتصادی ربط دارد.

در عین زمان دولت مرکزی خود را با مخالفت همراهی ولایات یافت، فلذا نو سازی اطراف با روی کار آمدن وسایل تخنیکی همراه بوده که باعث پیشرفت و توسعه و استعمال آن توسط مامورین دولتی دلالت به یک خشونت سمبولیک می نماید. این رابطه قوت بین دولت و محیط دهات و قصبات سبب خلق نمودن یک وضع خصومت بار یا متخاصم بین دولت و قبایل گردید، مانند قیام سال های 1937 - 1938 میلادی.

به قرار جیل روسینیول : 9 – 12 : « L'affaire Pir- Chami », Gilles), (Rossignol
d'Afghanistan
Nouvelles

NA, no. 147, Décembre 2014, 4^{ème} trimestre :

صفحة 9 :

«در یک پیام تلگرافی به تاریخ 22 اپریل 1937 میلادی، وزیر فرانسه جان بپتیست بریبه (Jean Baptiste Barbier) پیام داد که صد عسکر اردوی افغان کشته و صد نفر دیگر شان اسیر گردید، در هنگام اغتشاش قبایل غلزایی در شمال ولایت لوگر. وی تشریح نمود که این قبایل، کوچی ها هستند که در تابستان چراگاه های مواشی شان در دشت های افغانستان و در زمستان در آن طرف کوه های سلیمان یعنی در آن طرف خط دیورند می باشد.

دلیل دیگر اغتشاش غلزایی ها برخواسته از ساختن قرارگاه های نگهبانان در سرحد برای کنترل نمودن فعالیت های گمرکی بود به دلیل فعالیت های قاچاق، که خلق نمودن این پوسته ها را قبایل به چشم بد می دیدند.

با اغتشاش و قیام غلزایی ها، قبیله سلیمان خیل کتواز نیز یکجا گردید، و با نزدیک شدن خنک و شروع زمستان در ماه نوامبر 1937 میلادی قیام پایان یافت.

به تاریخ 16 اپریل 1938 میلادی در یک پیام دوباره بریبه (J.B . Barbier) اطلاع داد که قبیله سلیمان خیل دوباره اغتشاش نموده و اردوی افغان مداخله نمود.

به تاریخ 19 جون (Barbier) راپور داد که به استثنای هزار نفر بقیه قبایل تسلیم شدند.

به تاریخ 6 جولای 1938 میلادی در یک راپور دیگری (Barbier) اطلاع داد که قبایل مسعود در جلال آباد و قبیله وزیری در NWFP نیز قیام نمودند. سرک کابل تا به پشاور قریب بود توسط اغتشاشیون قطع گردد، وی علاوه می کند بومی ها از اقدام سرکوبگرانه در کتواز

مخصوصاً با بمباران نمودن توسط طیاره، که آن را نادرست و غیر صادقانه تلقی نمودند، وی راپور داد که از سبب اغتشاش قبایل، در کابل نیز اوضاع خیلی اختناق آور است. برای اولین بار بریبه (Barbier) علاوه می کند که این اغتشاشات توسط یک شورشی به نام پیر - شمی (Pir Shamy) به راه انداخته شده است».

صفحه 10:

«نام وی سید محمد سیدی گیلانی (Said – Mohammad Saadi Gailâni) و به تاریخ 1900 میلادی در دمشق تولد گردیده است. تعلیمات در آلمان، و وارث یک تعداد ساختمان ها و زمین های زراعتی می باشد. در اثر مرگ برادرش وی رهبر طریقت در سال 1938 میلادی گردید. به طرف بغداد حرکت، بعداً به کراچی، لاهور و به وزیرستان رسید. این طریقت در قرن دوازدهم میلادی در بغداد توسط عبدالقادر جیلانی (1077-1166) میلادی، بنیان گذاری شد.

در سال 1905 میلادی برادر خورد رهبر طریقت، سید حسن گیلانی در افغانستان جا به جا شد. در سال 1941 میلادی پسر بزرگ وی، سید علی (1923 - 1964 میلادی) رهبری طریقت را به دست می گیرد، بعداً سید احمد گیلانی متولد 1932 میلادی.

صفحه 11:

به تاریخ 15 جون دولت ظاهر شاهی کنیگورام (Kaniguram) را اشغال و جهاد علیه انگلیس را اعلان می کند. انگلیس ها توسط طیارات بمباردمان نموده و پیر - شمی (Pir - Shamy) را اولاً به سوریه و بعداً به آلمان می فرستند.

به تاریخ 11 جولای اخبار اصلاح به نشر می رساند، که پیر - شمی توسط طیاره از کراچی به بغداد فرستاده می شود. که این عمل مداخله و کمک انگلیس ها را نشان می دهد».

در مناطق شمال هندوکش، پروسس تشکیل دولت با فتوحات پشتون های درانی به صورت مسالمت آمیز به وقوع پیوست. پشتون های درانی، اقتدار منطقوی را شناخته، مگر خواستار پرداخت مالیه یا مالی یا پولی می گردند.

بر عکس ساختار اقتدار سیاسی به سویه محلی به صورت تدریجی با پدیده نوگرایی دولت، بعد از سلطنت امیر امان الله خان (1919 - 1929 میلادی) از بین می رود.

ارباب ها (Arbâb-s) کوشیدند تا نمایندگان رسمی قریه در نزد اقتدار دولتی جابجا گردند. حقسقال ها (Aqsaqâl-s) و موسفیدان قشلاق (muysafed-e qeçlâq) که رول سخنگویان غیر رسمی قریه را به عهده داشتند، در همان رول باقی ماندند.

بیگ های قدیم به موی سفیدان قومی مبدل و به صورت غیر رسمی رول میانجی را بین اقتدار دولتی و گروپ های محلی دوام می دهند.

عین پدیده رقابتی بین کتگوری های، چهره های اقتدار محلی مشاهده می گردد، که عبارت از خان ها و یا بیگ ها، و ارباب ها و یا ملک ها، که قبلاً در نزد غلزایی ها و پشتون های شرق تشریح گردید.

همچنین تحلیل بافت ها و یا ساختار های مختلف سیاسی و اجتماعی به سویه محلی نشان می دهد که بعد از تشکیل دولت، ساختار های سیاسی - اجتماعی محل ادامه می یابد.

: Olivier Roy

« مهاجرت ها، از دست دادن ملکیت ها سبب برهم خوردن دهات مخصوصاً در شمال در اخیر قرن گذشته گردید. داخل شدن به اقتصاد بازار، بلند رفتن نفوس و مداخله دولت سبب افزایش جدایی ها در جامعه گردیده، که از آن جمله مالکین مرفع و شرکت داران در اطراف شهر ها اقامت گزین؛ و نشر اخبار از طریق رادیو و وسایل حمل و نقل شدت اختیار نمود.»

ادامه دارد